

مقالات (۱۵۵)



مرکز مطالعات متین

MatinStudies.com

# بدگمانی به خداوند

فصلی از کتاب الجواب الکافی

امام ابن قیم رحمه الله



بدگمانی به خداوند |

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## بدگمانی به خداوند

بزرگترین گناه نزد الله، بدگمانی به اوست؛ چرا که فرد بدگمان، گمانی برخلاف کمالِ مقدس او برده و چیزی را به او نسبت داده که با نامها و صفاتش در تضاد است. از همین رو، خداوند بدگمانان را چنان بیم داده که هیچ گروه دیگری را آن گونه تهدید نکرده است؛ چنان که می‌فرماید:

{ وَيُعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا } [فتح: ۶] (و [نیز به این هدف که] منافقان و مشرکان را - اعم از زن و مرد - که نسبت به الله بدگمانند مجازات کند؛ ناگواری [و عذاب الهی] بر آنان باد!

## بدگمانی به خداوند |

الله بر آنان خشم گرفته و آنان را از رحمت خویش دور کرده و دوزخ را برایشان آماده نموده است؛ و [به راستی که دوزخ] چه بد جایگاهی است!.

همچنین درباره کسانی که یکی از صفات او را انکار کردند، فرمود:

{وَذَلِكُمْ ظَنُّكُمُ الَّذِي ظَنَنْتُمْ بِرَبِّكُمْ أَرْدَاكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ} [فصلت:

۲۳] (و همین گمانی که درباره پروردگارتان داشتید شما را به نابودی کشاند، پس از زیانکاران شدید).

خداوند از زبان خلیلش ابراهیم نقل می کند که به قوم خود گفت:

{مَاذَا تَعْبُدُونَ \* أَفِئْجَا آلِهَةً دُونَ اللَّهِ تُرِيدُونَ \* فَمَا ظَنُّكُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ} [صافات:

۸۷-۸۵] (چه می پرستید؟ \* آیا به جای الله، معبودان [دروغین و] ساختگی را می خواهید؟ \* پس گمان شما درباره پروردگار جهانیان چیست؟).

یعنی گمان می کنید وقتی او را ملاقات کنید، در حالی که غیر او را پرستیده اید، چگونه با شما برخورد می کند؟ یا هنگام پرستش بت ها، چه تصویری از او داشتید؟ در گمان خود چه نقصی در نام ها، صفات و ربوبیت او دیدید که شما را به پرستش دیگری واداشت؟

## بدگمانی به خداوند |

اگر آن‌گونه که شایسته است به او گمان می‌داشتید، درمی‌یافتید که او به هر چیزی دانا و بر هر کاری تواناست؛ او از همه بی‌نیاز است و همه به او نیازمندند. او عدل و داد را میان آفریدگانش برپا کرده و در تدبیر جهان یگانه است و شریکی ندارد. او به تمام جزئیات امور آگاه است و هیچ چیز بر او پوشیده نمی‌ماند. او به تنهایی برای بندگانش کافی است و نیازی به دستیار ندارد؛ او ذاتاً رحمان است و برای بخشش و رحمت، نیازی ندارد که کسی او را به رحم بیاورد. این برخلاف پادشاهان و حاکمان زمینی است؛ آن‌ها به کسانی نیاز دارند تا احوال و نیازهای مردم را به اطلاعشان برسانند یا در انجام کارها یاری‌شان دهند، و یا با شفاعت، آن‌ها را به رحم آورند تا به مردم توجه کنند. پادشاهان به سبب نیاز، ناتوانی و دانش محدودشان، به ناچار محتاج واسطه‌ها هستند.

اما در مورد قدرتمندی که بر هر کاری تواناست، از همه چیز بی‌نیاز است و رحمتش همه چیز را فرا گرفته، قرار دادن واسطه میان او و خلقش، توهین به مقام ربوبیت، الوهیت و توحید اوست و نوعی بدگمانی به او به شمار می‌رود.

## بدگمانی به خداوند |

محال است خداوند چنین چیزی را برای بندگانش جایز بداند؛ عقل و فطرت سلیم نیز زشتی این کار را فراتر از هر زشتی دیگری درمی‌یابد.

این موضوع را چنین تبیین می‌کند: عابد، بزرگ‌دارنده‌ی معبود خویش است، بندگی‌اش می‌کند و در پیشگاه او خاضع و فروتن است؛ و تنها پروردگار متعال است که شایستگی کمال بزرگداشت، شکوه، بندگی، خضوع و فروتنی را دارد و این حق خالص اوست. بنابراین از زشت‌ترین ستم‌ها این است که حق او به دیگری داده شود، یا میان او و دیگری در این حق اشتراکی برقرار گردد؛ به‌ویژه آنکه آن شریک، خود بنده و مملوک اوست؛ چنان‌که می‌فرماید: **ضَرَبَ لَكُمْ مَثَلًا مِنْ أَنْفُسِكُمْ هَلْ لَكُمْ مِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ شُرَكَاءَ فِي مَا رَزَقْنَاكُمْ فَأَنْتُمْ فِيهِ سَوَاءٌ تَخَافُونَهُمْ كَخِيفَتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ** [روم: ۲۸] (او برای شما از خودتان مثالی زده است: آیا از میان بردگانتان در آنچه به شما روزی داده‌ایم شریکانی دارید که در آن [با هم] برابر باشید و همان‌گونه که از یکدیگر بیم دارید از آن‌ها هم بترسید؟ [وقتی

## بدگمانی به خداوند |

خودتان چنین شرکتی را نمی‌پذیرید، چگونه برای الله شریک قرار می‌دهید؟  
این‌گونه آیات را برای گروهی که می‌اندیشند به تفصیل بیان می‌کنیم).

مقصود این است که وقتی شما نمی‌پسندید برده‌تان در اموالتان شریک شما باشد، چگونه برای من از میان بندگانم شریکانی قرار می‌دهید در حالی که «الوهیت» تنها حق من است و برای هیچ‌کس دیگری جایز نیست؟

هر کس چنین ادعایی کند، مقام مرا آن‌گونه که باید نشناخته و مرا آن‌طور که شایسته است بزرگ نداشته و در آنچه یگانه هستم، مرا تنها ندانسته است. کسی که در کنار الله دیگری را می‌پرستد، قدر و عظمت او را نشناخته است؛ همان‌گونه که می‌فرماید:

{يَا أَيُّهَا النَّاسُ ضُرِبَ مَثَلٌ فَاستَمِعُوا لَهُ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا  
ذُبَابًا وَلَا اجْتَمَعُوا لَهُ وَإِنْ يَسْلُبْهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ ضَعُفَ الطَّالِبُ  
وَالْمَطْلُوبُ \* مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ} [حج: ۷۳-۷۴] (ای

مردم، مثالی زده شده است، پس به آن گوش فر دهید: کسانی که به جای  
الله می‌خوانید، هرگز نمی‌توانند مگسی بیافرینند؛ هرچند برای این کار با هم

## بدگمانی به خداوند |

همدست شوند! و اگر مگس چیزی از آن‌ها برباید، نمی‌توانند آن را از او بازپس گیرند؛ هم طلب‌کننده ناتوان است و هم طلب‌شونده! \* آن‌ها الله را آن‌گونه که شایسته است نشناختند؛ بی‌تردید الله نیرومند شکست‌ناپذیر است).

کسی که همراه الله دیگری را بپرستد، قدر او را آن‌گونه که سزاوار است نشناخته است؛ آن هم پرستش کسی که توان آفریدن ناتوان‌ترین و کوچک‌ترین جاندار را ندارد و اگر مگسی چیزی از آنچه بر اوست برباید، قدرت بازپس‌گیری‌اش را ندارد. خداوند متعال می‌فرماید:

**﴿وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَاوَاتُ**

**مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾** [زمر: ۶۷] (و آن‌ها الله را

آن‌گونه که شایسته است نشناختند، در حالی که تمام زمین در روز قیامت در قبضه اوست و آسمان‌ها به دست راست او درهم‌پیچیده شده‌اند؛ او منزّه و فراتر است از آنچه با وی شریک می‌سازند).

پس کسی که با خدایی که چنین جایگاه و عظمتی دارد، موجودی را در عبادت شریک کند که هیچ بهره‌ای از این شکوه ندارد - بلکه ناتوان‌ترین و ضعیف‌ترین

## بدگمانی به خداوند |

موجود است - قدر او را نشناخته است. کسی که موجود ضعیف و ذلیل را با خداوند قوی و عزیز شریک گرداند، مقام او را چنان که حق اوست ارج نهاده است.

همچنین کسی که گمان می‌کند خداوند پیامبری به سوی خلق نفرستاده و کتابی نازل نکرده، قدر او را نشناخته است؛ بلکه او را به چیزی نسبت داده که شایسته‌اش نیست و از او پسندیده نمی‌باشد؛ یعنی رها کردن و تباه ساختن آفریدگان و واگذار کردن آنان به حال خود و بیهوده و پوچ آفریدن خلق.

و نیز کسی که حقایق نامهای نیکو و صفات والای او را نفی کرده، قدر او را نشناخته است؛ کسی که شنوایی، بینایی، اراده، اختیار، برتری و بلندی او بر آفریدگان، سخن گفتن و گفت‌وگویی او با هر یک از خلق را که بخواهد، انکار نماید. یا کسی که عمومیت قدرت او و پیوندش با کارهای بندگان - چه طاعت و چه معصیت - را نفی کند و این افعال را از دایره قدرت، مشیت و آفریدگاری او خارج سازد و چنین پندارد که بندگان هر چه بخواهند برای خود می‌آفرینند [و خالق کارهای خود هستند]، بدون آنکه مشیت پروردگار در میان باشد؛ که

## بدگمانی به خداوند |

در این صورت و بر اساس این گمان، در قلمرو او چیزی رخ می‌دهد که او نخواسته، و او چیزی را مشیت می‌کند که رخ نمی‌دهد. خداوند از گفته این شبه‌مجوسیان بسیار فراتر و والاتر است!

همچنین کسی که می‌گوید خداوند بنده را بر کاری که انجام نداده و قدرتی بر آن ندارد و هیچ تأثیری در آن نداشته، مجازات می‌کند، قدر او را نشناخته است. [بر اساس این باور یعنی باور جبریه] آن کار در حقیقت فعل خود پروردگار است و او بنده را بر کاری مجازات می‌کند که خودش او را به آن مجبور کرده است؛ و مجبور ساختن او بر آن فعل، بزرگتر از اجبار انسانی توسط انسان دیگر است. در حالی که در فطرت و عقل ثابت است که اگر آقایی بنده خود را بر کاری مجبور کند یا او را به ناچار به آن وادارد و سپس مجازاتش کند، کاری زشت

---

<sup>۱</sup> مجوسیان قائل به دو خدای نیک و بد بودند. آنان انجام خیر را به نور و انجام شر را به تاریکی نسبت دادند. منکران قدر نیز از آنجا که معتقدند کارهای بد بندگان را خودشان آفریده‌اند نه خداوند، از این جهت به مجوسیان شبیه شدند زیرا خالق دیگر جز الله را اثبات کرده‌اند. امام خطابی می‌گوید: «وجه تشبیه آن‌ها به مجوس، تقسیم خیر و شر بین دو موجود است؛ گویی آن‌ها الله را تنها خالق خیر می‌دانند و انسان را خالق شر». نگا: «معالم السنن» (۴/۳۲۳). (مترجم)

## بدگمانی به خداوند |

انجام داده است؛ پس چگونه عادل‌ترین عادلان و حکیم‌ترین حاکمان و مهربان‌ترین راحمان، بنده را بر کاری مجبور کند که هیچ نقش و تأثیری در آن نداشته و با اراده‌اش واقع نشده و اصلاً فعل او نبوده است، و سپس او را به مجازات ابدی کیفر دهد؟ خداوند از این پندار بسیار والاتر و برتر است و سخن اینان از سخنان مجوسیان هم بدتر است؛ و هر دو گروه، قدر الله را آن‌گونه که حق اوست نشناخته‌اند.

همچنین کسی که خداوند را از آلودگی‌ها و مکان‌های ناپسندی که ذکرشان خوشایند نیست منزّه ندانسته، بلکه او را در هر مکانی دانسته است، قدر او را نشناخته است. آنان او را از اینکه بر عرش خود مستقر باشد منزّه دانسته‌اند؛ در حالی که او خود می‌فرماید:

{إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ} [فاطر: ۱۰] (گفتار پاک به سوی

او بالا می‌رود و کار شایسته آن را رفعت می‌بخشد).

و فرشتگان و روح به سوی او بالا می‌روند و از نزد او فرود می‌آیند:

{يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ} [سجده: ۵] (امور را از آسمان

به سوی زمین تدبیر می‌کند، سپس [آن امور] به سوی او بالا می‌روند).

در نتیجه او را از استقرار بر تخت پادشاهی‌اش منزه دانستند، اما او را در هر

مکان پستی قرار دادند که انسان - و حتی حیوانات - از بودن در آن اِبا دارند.

کسی که حقیقتِ محبت، رحمت، رأفت، خشنودی و خشم الله را انکار کند،

او را آن‌گونه که شایسته است نشناخته است. همچنین کسی که حقیقت

حکمت او را - که همان اهداف ستوده و مقصود از کارهای اوست - انکار

نماید، مقام او را ارج نهاده است. و نه کسی که حقیقت فعل او را نفی کرده و

برای او فعلی اختیاری قائل نیست؛ بلکه کارهای او را مفعولاتی جدا از ذاتش

می‌پندارد. چنین فردی حقیقتِ آمدن، استقرار بر عرش و سخن گفتنش با

موسی در کوه طور و نیز آمدن او در روز قیامت برای داوری میان بندگان

توسط خودش را انکار کرده است؛ و همچنین دیگر کارهای او و صفات

کمالش را که منکر شدند و پنداشتند با این انکار، مقام او را ارج نهاده‌اند.

## بدگمانی به خداوند |

همچنین کسی که برای او همسر و فرزند قرار داده، یا او را حلول یافته در مخلوقاتش دانسته، یا او را عین این جهان هستی پنداشته، مقام او را نشناخته است.

و نیز کسی که بگوید خداوند دشمنان رسول الله ﷺ و اهل بیتش را رفعت بخشیده و نامشان را بلند کرده و قدرت و خلافت و عزت را به آنان سپرده، اما دوستان رسول الله ﷺ و اهل بیت او را خوار و ذلیل کرده است، قدر او را نشناخته است. این سخن در بردارنده بالاترین اهانت به پیشگاه پروردگار است؛ خداوند از گفته رافضیان بسیار والاتر و برتر است.

این دیدگاه برگرفته از سخن یهود و نصارا درباره پروردگار جهانیان است که [می‌گویند] او پادشاهی ستمگر را فرستاده که ادعای پیامبری کرده و بر خدا دروغ بسته است؛ و او زمان طولانی باقی مانده و همواره بر خدا دروغ می‌بندد و می‌گوید: «خدا چنین گفت»، «به فلان کار فرمان داد» و «از فلان کار نهی کرد»؛ و آیین پیامبران و فرستادگان او را باطل می‌کند و خون و مال و ناموس پیروان آنان را حلال می‌شمارد و می‌گوید: «خدا این را برای من حلال کرده است»؛ و

## بدگمانی به خداوند |

خداوند متعال او را آشکار و تایید می‌کند، پیروز و عزیز می‌گرداند، دعاهایش را مستجاب می‌کند و او را بر مخالفانش چیره می‌سازد و برای اثبات راستگویی او معجزاتی پدید می‌آورد. پس با گفتار و کردار و تایید خود او را تصدیق می‌کند و پی‌درپی نشانه‌هایی برای تاییدش پدید می‌آورد!

روشن است که این سخن شامل بزرگترین توهین و تعرض به ساحت پروردگار و علم، حکمت، رحمت و ربوبیت اوست؛ خداوند از گفته‌های انکارکنندگان بسیار والاتر و برتر است.

همچنین کسی که بگوید جایز است خداوند دوستانش را - آنان که حتی لحظه‌ای نافرمانی‌اش نکردند - عذاب کند و به دوزخ بفرستد، و دشمنانش را - آنان که حتی لحظه‌ای به او ایمان نیاوردند - غرق نعمت کند و به بهشت

---

۱ ابن قیم می‌گوید یهودیان و نصرانیان با نپذیرفتن پیامبری محمد ﷺ در حقیقت مدعی شده‌اند کسی می‌تواند ادعای پیامبری کند و مردم بی‌شماری را تابع خود کند و بر خداوند دروغ ببندد و سپس دعوتش گسترش یابد. ابن قیم بیان می‌دارد که محال است خداوند به یک دروغگوی مدعی پیامبری اجازه دهد دینی بیاورد، معجزه داشته باشد و حکومتش پایدار بماند. او این را از بزرگترین ادله بر صدق پیامبر ﷺ می‌داند. (مترجم)

## بدگمانی به خداوند |

ببرد، قدر او را نشناخته است. و [نیز کسی که بپندارد] هر دو کار برای او یکسان است و تنها چون خبری محض رسیده که خلاف این رخ می‌دهد، پس ممانعت از این کار صرفاً به خاطر آن خبر است، نه به خاطر تضاد با حکمت و عدالتش.

پروردگار متعال در کتاب خویش، کسانی را که چنین پنداری درباره‌اش دارند به شدت سرزنش کرده و چنین حکمی را از بدترین حکم‌ها شمرده است. الله متعال می‌فرماید:

{وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذَلِكَ ظَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ \* أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ} [ص: ۲۷-۲۸] (و ما آسمان و زمین و آنچه را میان آن دو است، بیهوده نیافریدیم؛ این گمان کسانی است که کفر ورزیدند، پس وای بر کافران از آتش [دوزخ] \* آیا کسانی را که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، همانند تبهاران در زمین قرار می‌دهیم؟ یا پرهیزگاران را مانند بدکاران می‌گردانیم؟).

و می‌فرماید:

﴿أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءً مَحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ \* وَخَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَلِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ [جاثیه: ۲۱-۲۲]

(آیا کسانی که مرتکب بدی‌ها شدند، گمان کرده‌اند که آنان را مانند کسانی قرار می‌دهیم که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند [به گونه‌ای که] زندگی و مرگشان یکسان باشد؟ چه بد داوری می‌کنند! \* و الله آسمان‌ها و زمین را به حق آفرید، تا هر کس در برابر آنچه به دست آورده است پاداش داده شود و به آنان ستم نشود).

و می‌فرماید:

﴿أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ \* مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ﴾ [قلم: ۳۵-۳۶] (آیا

مسلمانان را مانند گناهکاران قرار می‌دهیم؟ \* شما را چه شده است، چگونه داوری می‌کنید؟).

## بدگمانی به خداوند |

همچنین کسی که بپندارد خداوند مردگان را زنده نمی‌کند و خفتگان در گورها را بر نمی‌انگیزد و آفریدگانش را برای روزی جمع نمی‌کند که در آن نیکوکار را پاداش دهد و بدکار را کیفر، و حق مظلوم را از ظالم بستاند، قدر او را نشناخته است؛ [روزی که] کسانی را که در این دنیا برای او و در راه خشنودی‌اش سختی‌ها را به جان خریدند، با والاترین کرامت خویش گرامی بدارد و حقیقت آنچه را در آن اختلاف داشتند آشکار سازد تا کافران بدانند که دروغگو بوده‌اند.

همچنین کسی که فرمان خدا برایش سبک باشد و از آن سرپیچی کند، از نهی او بگذرد و مرتکبش شود، حقش را ضایع کرده و یادش را به فراموشی سپارد، قدر او را آن‌گونه که شایسته است نشناخته است. کسی که قلبش از او غافل باشد و پیروی از هوای نفس نزد او برتر از طلب خشنودی وی، و طاعت مخلوق مهم‌تر از طاعت او باشد، مقام او را ارج نهاده است. چنین فردی تنها پس‌مانده دل و گفتار و عملش را به الله اختصاص می‌دهد؛ چرا که هوای نفسش در اولویت است و برای او اهمیت بیشتری دارد. او به نگاه خدا و

## بدگمانی به خداوند |

آگاهی کامل او بر قلب و اعضایش بی توجهی می کند؛ از مردم شرم دارد اما از الله نه، از مردم می ترسد اما از الله نه. با مردم با بهترین شیوه‌ای که می تواند رفتار می کند، اما وقتی نوبت به خداوند می رسد، با کم ارزش ترین و پست ترین حالت برخورد می کند.

اگر بخواهد به محبوبی از جنس بشر خدمت کند، با تمام جدیت و تلاش و خیرخواهی به پا می خیزد، قلب و اعضایش را برای او فارغ می کند و او را بر بسیاری از منافعش مقدم می دارد؛ اما هنگامی که نوبت به ادای حق پروردگارش می رسد - اگر توفیقی حاصل شود - چنان به پا می خیزد که هیچ مخلوقی آن را از مخلوق دیگری مثل خود نمی پسندد؛ و از مال خود چنان برای او می بخشد که شرم دارد آن را به مخلوقی مثل خود بدهد. آیا کسی با این ویژگی‌ها، قدر الله را آن گونه که شایسته است شناخته است؟

و آیا کسی که دشمن خدا را در حق خالص او - یعنی در بزرگداشت، تعظیم، طاعت، فروتنی، خضوع، بیم و امید - شریک کرده، مقام او را ارج نهاده است؟ اگر او حتی نزدیک ترین آفریدگان به خدا را در این امور شریک می ساخت، باز

## بدگمانی به خداوند |

هم جسارت و دست‌اندازی به حق خالص او، ناچیز شمردن او و شریک قرار دادن میان او و دیگری به شمار می‌رفت؛ در حالی که این جایگاه تنها شایسته و سزاوار اوست. پس چه رسد به اینکه او را با منفورترین، پست‌ترین و مبعوض‌ترین آفریدگانش شریک کند که در حقیقت دشمن اوست؟ زیرا هیچ موجودی جز الله پرستیده نشده مگر آنکه این پرستش در واقع پرستش شیطان بوده است؛ چنان‌که خداوند متعال می‌فرماید:

{أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ \* وَأَنْ

اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ} [یس: ۶۰-۶۱] (ای فرزندان آدم، آیا با شما پیمان

نبستم که شیطان را نپرستید؛ چرا که او برای شما دشمنی آشکار است؟\* و

اینکه مرا بپرستید [که] این راهی راست است).

زمانی که مشرکان به گمان خود فرشتگان را می‌پرستیدند، در حقیقت

پرستش آنان برای شیاطین بود، در حالی که گمان می‌کردند ملائکه را عبادت

می‌کنند؛ چنان‌که می‌فرماید:

## بدگمانی به خداوند |

{وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ يَقُولُ لِلْمَلَائِكَةِ أَهَؤُلَاءِ إِبْرَاهِيمَ كَانُوا يَعْبُدُونَ \* قَالُوا سُبْحَانَكَ أَنْتَ وَلِيِّنَا مِنْ دُونِهِمْ بَلْ كَانُوا يَعْبُدُونَ الْجِنَّ أَكْثَرُهُمْ بِهِمْ مُؤْمِنُونَ}

[سبأ: ۴۰-۴۱] (و [یاد کن] روزی که همه آنان را محشور می‌کند، سپس به فرشتگان می‌گوید: آیا اینان بودند که شما را می‌پرستیدند؟ \* [فرشتگان] می‌گویند: منزهی تو [از هر عیب]! تو سرپرست مایی نه آنان؛ [نه!] بلکه آنان جن را می‌پرستیدند [و] بیشترشان به آن‌ها ایمان داشتند).

پس شیطان مشرک را به پرستش خود دعوت می‌کند و به آنان چنین وانمود می‌کند که او فرشته است. خورشیدپرستان، ماه‌پرستان و ستاره‌پرستان نیز چنین هستند؛ در واقع این شیطان است که با آنان سخن می‌گوید و نیازهایشان را برآورده می‌کند. از همین رو وقتی خورشید طلوع می‌کند، شیطان با آن همراه می‌شود تا وقتی کافران برای خورشید سجده می‌کنند، سجده آنان برای او واقع شود؛ هنگام غروب نیز چنین است. همچنین کسی که مسیح و مادرش را بپرستد، آن دو را نپرستیده بلکه شیطان را پرستیده است.

## بدگمانی به خداوند |

زیرا او گمان می‌کند کسی را می‌پرستد که به او فرمان داده خودش و مادرش را بپرستد و به این کار راضی بوده است؛ در حالی که این موجود همان شیطان رانده شده است، نه بنده و فرستاده خدا [عیسی مسیح]. تمام این‌ها ذیل این

سخن الهی جای می‌گیرد که: **﴿أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ**

**إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ \* وَأَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ﴾** [یس: ۶۰-۶۱] (ای

فرزندان آدم، آیا با شما پیمان نبستم که شیطان را نپرستید، چرا که او برای شما دشمنی آشکار است؟\* و اینکه مرا بپرستید [که] این راهی راست است).

هیچ‌یک از فرزندان آدم غیر الله - هر که باشد - را نپرستید مگر آنکه پرستش او

برای شیطان واقع شد. عابد با رسیدن به هدفش از معبود بهره می‌برد و

معبود [شیطان] با بزرگداشت او و شریک کردنش با الله - که نهایت

خشنودی شیطان است - از آن عابد بهره‌مند می‌شود. از این رو خداوند متعال

می‌فرماید: **﴿وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ قَدِ اسْتَكْبَرْتُمْ مِنَ الْإِنْسِ**

**وَقَالَ أَوْلِيَائُهُمْ مِنَ الْإِنْسِ رَبَّنَا اسْتَمْتَعَ بَعْضُنَا بِبَعْضٍ وَبَلَّغْنَا أَجَلَنَا الَّذِي أَجَّلْتَ**

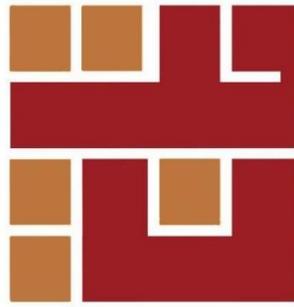
**لَنَا قَالَ النَّارُ مَثْوَاكُمْ خَالِدِينَ فِيهَا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ﴾** [انعام:

## بدگمانی به خداوند |

۱۲۸] (و [یاد کن] روزی که همه آنان را محشور می‌کند [و می‌گوید]: ای گروه جن، شما [پیروان] بسیاری از انسان‌ها را به دست آوردید [و گمراه کردید]. و دوستان آن‌ها از [میان] انسان‌ها می‌گویند: پروردگارا، ما هر یک از دیگری بهره‌مند شدیم و [اینک] ما به پایانی که برایمان مقرر کرده بودی رسیده‌ایم. [الله] می‌فرماید: آتش جایگاه شماست، جاودانه در آن خواهید ماند، مگر آنچه الله بخواهد؛ بی‌تردید پروردگارتو حکیم داناست).

این اشاره لطیفی به رازی است که شرک به سبب آن بزرگترین گناهان نزد الله شد؛ و اینکه بدون توبه هرگز آن را نمی‌بخشد و موجب جاودانگی در عذاب می‌گردد. تحریم و زشتی شرک صرفاً به خاطر نهی از آن نیست، بلکه محال است که الله متعال برای بندگانش پرستش معبودی غیر از خود را تشریح کند، همان‌گونه که هر چه با اوصاف کمال و ویژگی‌های جلال او تضاد داشته باشد بر او محال است. چگونه درباره کسی که در ربوبیت، الوهیت، عظمت و بزرگی یگانه است، گمان می‌رود که به شریک داشتن در این امور اجازه دهد یا به آن راضی باشد؟ الله از این پندار بسیار والاتر و بزرگ‌تر است.

بدگمانی به خداوند |



**مرکز مطالعات متین**

[www.MatinStudies.com](http://www.MatinStudies.com)

[t.me/MatinStudies](https://t.me/MatinStudies)

[facebook.com/MatinStudies](https://facebook.com/MatinStudies)

[Instagram.com/Matinstudies](https://Instagram.com/Matinstudies)

[X.com/Matinstudies](https://X.com/Matinstudies)